

احول اساسی حکومت جهانی و سیر تکامل آن در ميثاق

جامعه ملل سابق و منشور سازمان ملل متحد فعلی .

ریاست محترم جلسه ، جنابان ، خانمها و آقایان :

در بین چنین جمعیت مرکب از فضلاء ، دانشمندان ، و تجربه دیده های قوم امید من این بود که همیشه در صف شنوندگان باشم تا گوینده . ولی سخاوتمندی ریاست محترم و حضار گرامی این فرصت را در باره موضوع چنین وسیع و اساسی ارزانی فرمود . امید است از نواقص مطلب و بیان نیز با همان درجه از سخاوتمندی چشم پوشی فرمایند . بعنوان بهترین راه حقیقتی در مقابل چنین حضار بلند نظر در حدود امکان سعی کرده ام که بدون غفلت از مطلب دل و جان کلام این گزارش را خیلی خلاصه تهیه کنم . بهر حال گزارشی است مقدماتی و در حدود امکانات ناچیزم .

بطوریکه در کنفرانسهای گذشته این جمعیت بخوبی تشریح شد ، اکنون چه از نظر بقاء بشر ، چه از نظر بهتر زیستنش ، وجود نوعی از حکومت در سطح جهانی حکم ضرورت را پیدا کرده است . بالطبع ، در چنین مرحله تجسسهای مقدماتی و آزمایش در باره پایه و اصول اساسی چنین حکومت در درجه اول اهمیت قرار میگیرد تا با ارزیابی واقع بینانه از امکانات ، بدون هدر دادن وقت ، بنائی استوار در مقابل سوانح غیر مترقبه روزگار ایجاد گردد . در این راه ، بدون اینکه در باره اهمیت سهم قانونی و تشکیلات ب معنای خاص آنها تردیدی ابراز گردیده باید گفت مسئله جنبه های مهم روانی و اجتماعی نیز دارد . از همین نظر در این بحث سعی شده است موضوع از لحاظ مفهوم وسیع آن مورد بررسی قرار گیرد .

با توجه به این حقیقت که این بنادر هر صورت با انسانها سروکار دارد ، پس در درجه اول اصالت و استحکام آن باید از تکیه اش بر خواص و نیروی انسانی سرچشمه گیرد ، و از معیارهای صحیح مدیریت این نیرو بهره مند شود . بنابراین شناختن و استفاده کردن از این معیارها نیز ارتباط مستقیم دارد با شناختن خواص جسمی و روانی انسانی و توسعه ی حس انسان دوستی بمفهوم واقعی آن . ولی در اینجا یادو نکته قابل دقت مواجیه هستیم که عبارتند از :

۱) به تناسب رشته های دیگر ، بشر توجه کمتری به خودشناسی ، بهتر بگوئیم به انسان شناسی ، میپردازد . در حالیکه خود اوست کاشف و بکار اندازنده رشته های دیگر .

۲) علی الرغم چنین کم توجهی، نیروی انسانی از لحاظ تعداد، استعداد و انتظارات بسرعت روبه افزایش است.

از لحاظ نشان دادن اهمیت اثرات عملی وضع روانی و شرائط زندگی دستجات مختلف المناق و مختلف السلیقه نیروی انسانی در چرخش امور زمان من جمله در حیات مؤسسات بین المللی، کافی است گزارشات مهم و گذشته حال دبیر کل های خود سازمان مال متحد را بدقت مطالعه کنیم. در این گزارشات عالی مقامترین مأمورین اداری بزرگترین دستگاه بین المللی کمتر از نقص مقررات و تشکیلات اظهار نگرانی میکنند تا نگرانی از محیط درونی و شرائط زندگی انسانها، مثلا او تانت دبیر کل حاضر که خود از آسیا برخاسته، در آخرین پیام سال نو خود با وجود اظهار خوشبختی به نتایج همکاریهای بین المللی معهدا با بیان صادق و منجز میفرماید:

«... وضع تاریک و خطرناک بحال خود باقی است. این وضع دو جنبه دارد. یک جنبه آن تسلط ظالمانه فقر و بیماری و جهالت است که گریبان گیر میلیونها مأموم ما میباشد. جنبه دیگر آن عبارتست از ترس از همدیگر، عدم اعتماد بیکدیگر، و دشمنی نسبت بهم.»

طبیعی است در چنین وضع این خطر وجود خواهد داشت که بجای استفاده از نتایج علوم اجتماعی که محصول عقل سلیم خدا داده خود انسانهاست و بجای استفاده از انمائیهای پیشوایان معنوی هر کس صرفا از ظن خود بیاری نظام جهانی آید، و از درون خود اسرار موفقیت آنرا جوید. غافل از اینکه در چنین شرائط سرکار از دسترس بشر برای همیشه دور حتی مخفی نیز، خواهد ماند.

چون رساله خاصی در باره اهمیت توجه نیروی انسانی اخیراً منتشر کرد (۱) که نسخه ای از آن در اختیار حضار محترم خواهد بود به این جهت در باره مطلبی که ظاهراً معترضه، ولی در معنا کاملاً مربوط به اساس موضوع است بیشتر از این وقت صرف نکرده و میرود ازیم به تجسس اصول اساسی حکومت جهانی در چهار دیوار مقررات و تشکیلات.

با اجازه حضار محترم بحث را به دو قسمت تقسیم میکنم. باین ترتیب:

۱- تجسس اصول اساسی حکومت جهانی (یعنی آنچه چیزی که باید باشد)

۲- سیر تکامل آن اصول در گذشته (یعنی آنچه چیزی که هست)

پس تفاوت بین آنچه باید باشد و آنچه هست عبارت خواهد بود از مسافتی که پیموده شود. بجزئتم میتوان گفت که شیشهی حیات بین المللی در گرو چگونگی طی همین مسافت است.

از لحاظ قسمت اول، یعنی تجسس اصول اساسی حکومت جهانی، فراموش نکنیم که چنین حکومت یک موضوع منزوی از تحولات تاریخی مؤسسات اجتماعی

۱- رساله تحت عنوان «نیروی انسانی: نیروی انسانی شیر نیروها و گل سر سبد نعمتهاست. مدیریت نیروی انسانی از نظر بررسیهای علی» چاپ تهران سال ۱۳۴۴

بشر نبوده بلکه دنباله‌ی آنست، درحقیقت خود بشرعامل مشترك همه این مؤسسات است، چه بصورت فردی و چه بصورت دسته‌جمعی. بنا براین، تجربیات با نیان حکومت‌های متمدن گذشته و حال در سطوح مختلف جوامع انسانی می‌تواند منبع وسیع و سرچشمه فیض بخش برای تجسس اصول اساسی حکومت جهانی باشد که آخرین نوع حکومتها خواهد بود. چنین دیر آمدن مزیت دست‌رسی رایگان به تجربیات تلخ و شیرین زود آمده‌ها رادر بردارد.

اگر هدفهای اصلی با نیان حکومت‌های متمدن جهان را در طول تاریخ بخواهیم در چند کلمه خلاصه کنیم عبارت خواهد بود از پایه گذاری حکومتی بر اساس تشخیص حق از باطل و قدرت اعمال آن تشخیص. پاسکال، دانشمند شهیر فرانسوی درباره ترکیب این دو هدف بیان جالبی دارد، از این قرار:

«حق بدون قدرت اعمال آن ضعیف است. قدرت بدون حق بظلم می‌گردد. باید ترکیبی از حق و قدرت اعمال آن فراهم کرد تا آنکه ذی‌حق است‌قادر و آنکه قادر است ذی‌حق نیز گردد.»

سعدی علیه‌الرحمه در بیت کوتاهی مطلب را چنین پرورانده است:

«درشتی و نرمی بهم در بهست چو رگ‌زن که جراح و مرهم نهست»

بررسی تاریخ جوامع مختلف در راه تحقق بخشیدن به هدفهای عالی مزبور دو سؤال اساسی را پیش می‌آورد که عبارتست از: در راه تشخیص حق از باطل که بود که خود را ذی‌حق ندید؟ که بود که قبل از خشک و ترسوزی از قدرت اعمال حق خود ارزیابی صحیح کرد؟ بر اساس تجربیات حاصله از این دو سؤال بمرور زمان با نیان حکومت‌های متمدن بالاخره مرجع و معیار اساسی پایه گذاری کرده‌اند. این اصول اساسی بسهولت می‌تواند مورد استفاده حکومت جهانی نیز قرار گیرد بدون اینکه در فرعیات تحقق بخشیدن به آنها حالت جهانی بودن را از دست دهد.

تقریباً بدون استثنا پایه گذاری حکومت‌های متمدن گذشته و حال بر اساس عوامل و اصول اساسی چهارگانه صورت گرفته است. این عوامل و اصول اساسی ظاهراً ساده و سهل الوصول بنظر می‌رسد، ولی در عمل تاریخ پیدایش و تکامل آنها تاریخ اجتماعی ملل متمدن عالم تدوین کرد و اکنون ایضاً نقش خود را در سطح جهانی آغاز می‌کند. عوامل و اصول اساسی چهارگانه مزبور عبارتند از:

۱- قانون عادلانه. ۲- مجری مؤثر. ۳- قاضی صالح. ۴- وسیله بیدار و معقول برای تطبیق شرائط موجود با حوائج موجه زمان.

علاوه بر عوامل اساسی چهارگانه مزبور، ارتباط و نسبت تحرك بین آن عوامل نیز کمال اهمیت را دارد. در واقع این عوامل مثل حلقه‌های زنجیر بهم مربوطند و شدت و ضعف استحکام و تحرك هر يك از این حلقه‌ها در استحکام و تحرك جمع آن مؤثر است. مثلاً قاضی بی‌مجری ممکن است بی‌اثر باشد. یا قانون بی‌قاضی هرگز به مفهوم واقعی خود تعبیر نگردد. یا اگر در کنار قانون و قاضی و مجری

که در درجه اول از عوامل حفظ وضع (Status quo) هستند طریقه مجاز و معقول برای تطبیق شرایط حاضر با حوائج موجه وجود نداشته باشد چنین مسکن بدون علاج ممکن است وضع ناپایداری بار آورد. در واقع توجه بهمین مطلب تحول تاریخی مراجع قانونگزاری ملل را فراهم کرده است. تجریبات دوره جامعه ملل سالیانه و منشور ملل متحد فعلی نوید دیگری از اهمیت ارتباط بین عوامل اساسی نظام جهانی است.

مثلاً، در مورد موضوع مهم خلع سلاح، که آزاد شدن منابع عظیم جهانی بِنفع توسعه در گرو آنست، چنان این موضوع را با عامل اهمیت بین المللی، عامل امنیت بین المللی را چنان با حفظ حقوق بین المللی، و بالاخره حفظ حقوق را چنان با طرق ایجاد و تشخیص و اعمال آن مربوط یافتند که شدت وضع توجه ملل مختلف بیهیک از این عوامل موجه عدم تحرك در مجموع آنها، علی الخصوص در خود موضوع خلع سلاح شده است. با توجه به این جهات راه واقع بینانه برای تحقق بخشیدن بیک نوع دستگاه تکامل یافته نظام جهانی بدون شك راهی است که وسائل معقول حفظ نظم و عدالت جهانی و تطبیق با شرایط موجه زمان را جامع باشد. خلاصه مجموعه ام حافظ باشد و هم عادل. هم ذی حق گردد و هم قادر. حال، بعد از کرباپایه و اصول اساسی چهار گانه حکومت جهانی، و اهمیت تعادل بین آنها، میپردازیم به قسمت دوم بحث که عبارت شد از سیر تکامل این اصول در تاریخ امور بین المللی تا این زمان.

در این قسمت سه دوره مشخص ملاحظه میشود که عبارتند از:

- ۱- دوره قبل از امضاء شدن میثاق جامعه ملل سابق (یعنی قبل از ۱۹۱۸)
- ۲- دوره میثاق جامعه ملل (یعنی ۱۹۱۸ و ۱۹۳۹)
- ۳- دوره بعد از میثاق یعنی دوره منشور سازمان ملل متحد فعلی (یعنی از ۱۹۳۹ به این طرف)

در دوره اول (یعنی از تاریخ چند هزار ساله جهان تا ۱۹۱۸) مخصوصاً سال ۱۸۱۵ را از نظر تشکیل کنفرانسهای وین باید یاد آور شد. در این دوره با وجود اینکه حکومتهای ملی و قوی در جهان پابرسه وجود گذاشته، معیناً اصول همکاری بین الملل بحد زیادی وضع اجتماعات اولیه بشری را داشت که عبارت بود از قاضی و مجری اعمال خود بودن، بشخصیت خود عهدهای بسته را نایسته گرفتن، و بالاخره تکیه کردن صرف بدفاع شخصی از طریق فردی یا تشکیل دسته و سعی در حفظ تعادل قوایی دستجات. از لحاظ زمینه حکومت جهانی آینده، بایست پیدایش و قوت گرفتن دو عامل را در این دوره فراموش نکنیم که عبارتند از:

- ۱- مفهوم اصل حاکمیت ملی مطلق. اصلی که اعمال غیر مسئول آن در مواردی از حیات بین المللی چنان اثرات سهمگینی بار آورد که بعدها حتی قهرمانان آنرا دچار اضطراب و نگرانی کرد.

۲ - رشد تدریجی قوانین بین‌المللی بر اساس عرف بین‌دول مستقل و قرار داد بین آنها .

چند مقاله جداگانه درباره قوانین بین‌المللی منتشر کرد (۱) که خدمت حضار توزیع میشود باین جهت در این موضوع مهم وقت بیشتری نمیگیرد و میباید ازیم به دوره دو تقسیم بندی بالا ، یعنی دوره میثاق جامعه ملل سابق (سالها از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹) . فقط این را اضافه کنیم که خود میثاق سابق و منشور سازمان ملل متحد فعلی در حکم قوانین بین‌المللی زمان خود در آمده‌اند .

در دوره میثاق اساسی کاملاً جدیدی در امور بین‌المللی پایه گذاری شد که علی‌الرغم نواقصی که داشت میتواند نقطه عطفی بطرف حکومت جهانی محسوب گردد. این اساس عبارت بود از گردیدن به اصل امنیت دسته جمعی و اقدام بین‌المللی درباره قسمت مهمی از امور جهان بجای اصل امنیت فردی و دسته‌ای معمول قبل از جنگ بین‌الملل اول .

از نظر موضوع گزارش شاید بتوان پیش‌بینیهای میثاق را بطور خیلی خیلی خلاصه بطریق زیر بیان کرد :

۱- بطور بیسابقه ، میثاق يك سازمان بین‌المللی کلی و مستقر (بنام جامعه ملل) بر اساس حقوق مساوی اعضاء ایجاد کرد که عضویت در آن برای کلیه دول مستقل باز بود ، اگرچه در عمل همه دول جهان به عضویت آن در نیامدند .

۲- مجمع عمومی مرکب از همه اعضاء ، شورا با عضویت محدود ، و دبیر خانه ثابت برای این سازمان ایجاد شد. دیوانی نیز بنام دیوان دائمی داد گستری بین‌المللی تأسیس گشت ، ولی نه بعنوان یکی از ارکان سه گانه مزبور جامعه چند رکن فرعی نیز بعداً تأسیس شد .

۳- میثاق اختیار قانونگزاری ایجاد نکرد ، معهدا فعالیتهای ارکان جامعه در توسعه قوانین بین‌المللی نوشته شد .

۴- توسل به جنگ در میثاق صریحاً ممنوع نشد ، ولی بر علیه متجاوز مجازاتهایی معین گشت .

۵- طرفین اختلافات خطرناک بین‌المللی موظف به ارجاع موضوع به شورای جامعه ملل بودند ، معهدا شورا نمیتوانست تصمیم نهائی بگیرد مگر به اتفاق آراء (البته با استثنای طرفین دعوا) .

۶- حتماً در صورتیکه اتفاق آراء در شورا حاصل میشد ، نحوه شرکت دول عضو در مجازاتهای اقتصادی بر علیه متجاوز بستگی داشت بنظر خود آن عضو .

۷- صلاحیت دیوان دائمی داد گستری بین‌المللی اجباری نبود و موکول میشد به قبول قبلی ، یا حین دعوی ، طرفین ، برای اجرای حکم دیوان نیز جز اقدام طرف دعوا و سفارش شورای جامعه ملل وسیله خاص معین نشده بود .

۸- مجمع عمومی صلاحیت مشابه با شورا داشت ، معهدا در عمل قسمت

۱ - مقاله تحت عنوان «منابع قوانین بین‌الملل و مقایسه با قوانین ملی » منتشر شده در مجله حقوق مردم ، شماره اول ، یائین ۱۳۴۴ تهران .

اجرائی و امنیتی بعهده شور او گذارشد. در موارد مربوط به تجدید نظر در وضع یا قرار دادهای موجود مجمع عمومی صرفاً حق بحث و سفارش داشت.

۹- میثاق مسئولیت جامعه جهانی را در قبال مردم سرزمینهای غیر خود مختار بنا نهاد.

در کنار مشکلات عملی و سیاسی بی‌شمار در دوران میثاق، اقدامات دیگری برای تقویت اصول اساسی آن صورت گرفت. از نظر اختصار به مهمترین اقدامات موفق این دوره اشاره میکنیم که عبارت بود از امضاء شدن عمومی قرار داد کلوک بریان در سال ۱۹۲۸، بموجب این قرارداد که حکم قانون بین المللی را بخود گرفته جنگ به عنوان اجرای سیاست ملی تحریم شده است. چنین تحریم در میثاق بیان نشده بود.

با شروع جنگ بین الملل دوم دستگاه جامعه ملل پاشیده شد. معذرتا تجزیات آن منبع ارزنده برای خلفش، یعنی سازمان ملل متحد فعلی، بجا گذاشت که شروع کار آن دوره سوم تقسیم بندی این گزارش را تشکیل میدهد.

بمقیاس آنروز، حتی بمقیاس امروز، منشور سازمان جدید سهولت میتواند بل عظیم بین دو دوره مهم از تاریخ جهان بشمار آید. مراسم تهیه و امضاء شدن پرا بهت آن با مرف ششصد خروار کاغذ طلیمه دوره جدیدی را در روزهای تاریخ آخر جنگ نوید داد. تصادف جالبی است که این اقدام در محلی از ساحل پر برکت کالیفرنیا صورت گرفت که آن محل نیز طولانی ترین پل جهان و قشنگترین طلوع آفتاب را به عا برین و بینندگان خود عرضه میکند.

اگر چه منشور در سال ۱۹۴۵ امضاء شد ولی دوره آن را عملاً با یاد ۱۹۴۰ بدانیم. زیرا قسمتی از اصول و هدفهای مندرج در منشور در طی کنفرانسهای زمان جنگ ملل متحد آنروز تدوین شد. در واقع تهیه و تهیه قبلی رعایت آن اصول را میتوان از وسائل مؤثر پشت گرمی دول و سر بازان آن زمان خواند که در جامعه عظیم ملل متحد، تحت لوای مجاهدات برای جهان آباد و آزاد و منظم، مشغول پیکار بودند.

جای خوشوقتی و افتخار است که موافقت در باره قسمتی از اصول منشور آینده در کنفرانس تهران زمان جنگ، یعنی در پایتخت کشور پل پیروزی صورت گرفت. حال ببینیم، باز با خیلی خیلی اختصار، دوره منشور به سیر تکامل اصول اساسی نظام جهانی چه اضافه کرده؟ این اضافهها بقرار زیرند:

۱- چه بشکل نوشته شده و چه بشکل تجربه، آنچه میثاق بطرف يك نظام جهانی انجام داده بود، منشور تا حد امکان نه تنها آنرا در خود جای داده، بلکه، چه از نظر تشکیلاتی و چه از نظر وظائف، به این مرکز جهانی قوت بیشتر بخشیده است.

۲- در قسمت وظائف، علاوه بر امور امنیتی منشور با واقع بینی توجه خاصی نیز به امور اقتصادی و اجتماعی مبذول کرده است.

۳- در قسمت تشکیلاتی، يك مجمع عمومی و سه شورا تخصصی و يك دبیر خانه به عنوان ارکان اصلی تأسیس کرده و بعلاوه دیوان بین المللی داد گستری جدیدی را

نیز در جزو ارکان اصلی ششگانه خود در آورده است .

۴- علاوه بر ارکان اصلی ششگانه مزبور ، وارکان فرعی دیگر ، برای فعالیت در رشته‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی تأسیس غیر متمرکز سازمانهای تخصصی را پایه گذاری کرد که تحت رهبری خودسازمان دسر تاسر جهان مشغول بکارند و امروز عده این مؤسسات وارکان فرعی مهم آنها به چهل میرسد .

۵- از لحاظ قانونگزاری درست است که جز در موارد اداری استثنائی به مجمع عمومی حق قانونگزاری داده نشده ولی عقیده عده‌ی از مطلقین بر اینست که در مواردی که موافقت عمومی حاصل شده چنین حق سلب هم نشده است . بعلاوه فعالیت‌های ارکان مختلف سازمان بشکل آراء قطعا نامه ها ، اعلامیه‌ها ، طرحهای قراردادهای عمومی ، و بالاخره مطالبات خاص به توسعه و مدون شدن قوانین بین الملل کمک میکند .

۶- از لحاظ امنیت دسته جمعی ، نه تنها اعضاء بخود داری از اعمال زور و تجاوز بحدوق در روابط بین المللی ممنوع هستند ، بلکه بر عایت اصول حق و عدالت و انجام همکاریهای بین المللی برای پیشرفت و توسعه عمومی نیز متعهدند .

۷- اگر تمهدها اعضاء بحل مسالمت آمیز اختلافات خود منجر بنتیجه نشد ، به ارجاع موضوع به شورای امنیت ملزمند .

۸- اگر حل مسالمت آمیز اختلافات در شورانیز بینتیجه ماند ، و تشخیص خودشورا خطر بهم خوردن صلح و امنیت بین المللی پیش آمد ، شورا حق صدور دستورات لزوم الاجراء دارد ، این صلاحیت تا این تاریخ به هیچ رکن بین المللی داده نشده بود .

۹- اصل اتخاذ تصمیم بر اساس نوعی از اکثریت در کلیه ارکان مختلف سازمان و سازمانهای وابسته قبول شده است . استثناء مهم بر این اصل موضوع «تو» پنج عضو دائم شورای امنیت است در موارد مهم از رأی گیری . ناگفته نماند که این حق در باره همه اعضاء شورای جامعه ملل ملحوظ نشده بود . همچنین در بعضی از سازمانهای تخصصی (مثل بانک بین المللی) نیز رابطه قانونی بین امکانات ورأی اعضاء ایجاد کرده اند ، حتما عده‌ای را از جهات علمی عقیده بر این است چنین ارتباط در بعضی موارد هم دیگر نیز ملحوظ گردد . ولی بهر حال در عمل صرف نظر از اثر قانونی ، اثر عملی رأی با امکانات صاحب رأی مربوط است .

۱۰- بطور بیسابقه به دبیر کل سازمان ملل متحد اجازه داده شده است هر موضوعی را که خطری بصلح و امنیت بین المللی داند به نظر شورای امنیت برساند .

۱۱- دیوان بین المللی دادگستری صلاحیت مشابه دوره جامعه ملل را دارا است . تحول جدید در این باره قراردادهای دویا چند جانبه بین المللی است که به آراء مشورتی دیوان در مورد خاص قوت قانونی میبخشد .

۱۲- در راه اجرای تصمیمات شورای امنیت ، بر اساس تجربیات جنگ اخیر ، کمیته نظامی شورا و قراردادهای مربوط بتشکیل قوای نظامی مرکب از واحدهای دول عضو پیشینی شده است . اگر چه هنوز این پیش بینی واقعیت نیافته ، ولی در عمل

هنگام ضرورت از واحدهای نظامی دول و اطلب استفاده شده است.

۱۳- منشور برای بحث مجمع عمومی صلاحیت وسیع، با صلاح عام، در کلیه امور بین المللی قائل شده است. اگرچه نتیجه این بحثها بیش از صدور قطعنامه (بدون قوت قانونی) نیست، مع هذا قطعنامه های مجمع عمومی بعنوان بزرگترین جامعه ی نمایندگان دول عالم از پشتیبانی معنوی افکار عامه جهان بدرجه غیر قابل تصور برای خیلی ها برخوردار است. بطوریکه حضاره حترم اطلاع دارند، در جوامع مبتعد قدرت واقعی قانون از پشتیبانی افکار عامه ی مطلع بر حقایق اوضاع سرچشمه میگردد.

بر این اساس قطعنامه های مهم مجمع عمومی در رشته های مثل ختم استعمار، رشد مفهوم حقوق بشر، تنظیم قراردادهای عمومی اقتصادی و اجتماعی، حتی تشکیل سازمانهای تخصصی مورد لزوم تا کنون موفقیتهای شایان توجه داشته است. این اقدامات شمه ای از اقداماتی است که مربوط میشود بامل اساسی تطبیق وضع با حوایح موجه زمان.

۱۴- مجمع عمومی صلاحیت عام خود را چنین تعبیر کرده است که هر موقعی شورای امنیت بعلت و تو، بهتر بگوئیم بعلت زیاد روی در استفاده از حق و تو، یا بعلم دیگر تواند در امور مربوط بصلح و امنیت بین المللی تصمیم بگیرد، خود مجمع عمومی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. مخالفت چند عضو با این نظر از لحاظ تأمین هزینه های مربوط به صلح و امنیت مشکلاتی فراهم کرد که هنوز بجای خود باقی است. بموجب ماده ۱۷ منشور مجمع عمومی هزینه های سازمان را تعیین و تسهیم میکند.

۱۵- اگر کلیه پیش بینیهای منشور برای جلوگیری از تجاوز مسلحانه نقش بر آب شد و تجاوز صورت گرفت حق دفاع شخصی، بطور انفرادی و دسته جمعی، از اعضاء سلب نشده است، البته تا موقعی که خود سازمان ملل متحد قادر بجلو گیری باشد.

۱۶- منشور ارکان خود را از دخالت در امور داخلی ملل منع میکند. از طرفی این بند غالباً مورد توسل اعضاء است. از طرف دیگر قوانین بین المللی و آراء دیوان بین المللی دادگستری به مسئله صدور صلاحیت ملی همیشه یک مفهوم در حال تحول و تکامل قائل شده است.

۱۷- بالاخره اضافه شود که سازمانهای وابسته به منشور ملل متحد مخلوق کشورهای عضو هستند. دستگاه مقررات سازی حتی قسمت مهمی از اجرای تصمیمات آنها، در دست دستگاههای داخلی خود اعضاء است. بنا بر این عضویت با حسن مسئولیت در این سازمانها، صرف نظر از بزرگی و کوچکی عضو، در واقع جان کلام و سر نوشت مؤسسات بین المللی را در دست دارد.

بطوریکه ملاحظه میفرمائید، بر اساس منشور در رشته های مختلف حیات بین المللی بطور غیر متمرکز در زمان نسبتاً کوتاه، و در امور نسبتاً کم تجربه،

زمینه‌سازی وسیع صورت گرفته است که از لحاظ ارزیابی در جهت حکومت جهانی غیرمنصفانه و غیر واقع بینانه خواهد بود اگر صرفاً مبنای بررسی و توجه خود را صرفاً بیک نوع وظیفه، یا نیک و بد طرز کار یک رکن، از چنین منظومه مصروف داریم. حتماً با توجه بمشکلات بی‌شمار کار حق بر اینست که از بانیان و مجاهدین راه‌های طی شده و بناهای ایجاد شده علی‌الرغم نواقصی که داشته، یا مجبور بداشتن آن هستند، به نیک‌ی یاد کنیم. از تحولات جالب جدید درباره نمره‌ی کار در سالهای اخیر اینست که این مؤسسات از پشتیبانی ارزنده مراجع عالی مذهبی نیز برخوردار شده‌اند.

حال اجازه فرمائید از تقسیم بندی دوره‌های گذشته و ملاحظه اقدامات اساسی سالهای ۱۸۱۵ و ۱۹۱۸ و ۱۹۴۵ از لحاظ روانی و اجتماعی نیز که قبلاً مورد بحث این گزارش بود نتیجه بگیریم. ملاحظه میشود که نه تنها اقدامات جدی و اساسی در سالهای بلافاصله بعد از پرداخت بهاء سنگین بشکل جنگها و بر خوردهای خانمان بر انداز بین‌المللی صورت گرفته است، بلکه بتدریج که خاطره حوادث تلخ مزبور از یادها رفته رغبت استفاده از همان اقدامات نیز تدریجاً دچار ابهام و تردید گشته است. این نتیجه، اگر درست باشد، انسان را بیاد بیان جالبی از پروفیسور ایگلتن فقید امریکائی در باره غفلتهای بشری می‌آورد. میگوید:

« بطور عادی از خواص انسان اینست که تنها وقوع بدبختی، یا قریب الوقوع بودن وقوع بدبختی، او را به انجام امور اساسی و امیدوار که وجدان و عقل سلیمش مدتها پیش انجام آنرا از وی خواسته بود. این موقعی است که پیشگیری غیر ممکن، علاج بدبختی مشکوک، و انجام اصل کار نیز ممکن است دیر شده باشد.»

با توجه بحقایق و همین بیان پر معناست که اکنون لزوم استفاده از رشد فکری و قوه عقلانی خداداده بشر برای احتراز از پرداخت بهاء سنگین تری برای نظام جهانی آینده اهمیت خود را نشان میدهد.

اجازه فرمائید خلاصه‌ای بر این خلاصه اضافه شود:

۱- برای بقا و بهتر زیستن بشر حکومت جهانی حافظ و عادل حکم یک رسالت تاریخی بعهده گرفته است.

۲- در این راه توجه واقع بینانه بحدود امکانات و شرائط عملی نیز بی اندازه ضرورت دارد.

۳- استحکام چنین بنا با پیشرفت علوم انسان شناسی و حس انسان دوستی ارتباط مستقیم دارد.

۴- موضوع علاوه بر جنبه‌های حقوقی و تشکیلاتی، جنبه‌های وسیع روانی و اجتماعی نیز داراست.

۵- حکومت جهانی دنباله تحولات مؤسسات اجتماعی بشر است و محتاج

استفاده از تجربیات آن .

۶- بر اساس همین تجربیات ، باید در انتخاب پایه و اصول اساسی چنین بنا ، و به تعادل نسبی بین آن اصول ، توجه دقیق مبذول گردد .

۷- میثاق و منشور در زمینه‌سازی رشته‌های مختلف حکومت جهانی تکامل یافته‌تر سهم مؤثر داشته‌اند که صرف نظر کردن از آنها حتی حقیر شمردش ، همان اندازه خطاست که کافی دانستن آن .

۸- در جهت ایجاد نظام جهانی ، بشر تاکنون بهاء سنگینی پرداخته است . شاید تنها توسل به عقل سلیم خداداد و رشد فکری است که بتواند برای قدمه‌های بیشتر و بهتر بشر را از پرداخت بهاء سنگین‌تری نیاز سازد .

۹- در جهان واحد ، ولی متشکل از ملل مختلف ، بین ناسیونالیزم از یک طرف ، و حکومت جهانی عادل و حافظ از طرف دیگر ، بمفهوم اصیل و پخته آنها منافات وجود ندارد و هر کدام از آنها ذات هستی بخشی باید بدیگری نیز هستی میبخشد .

در انتهای کلام بجاست یادآور شویم که بحمدالله حمایت و پشتیبانی ایران از مؤسسات بین‌المللی مفید پیوسته جاری بوده است . اساساً این ملت اصیل و کهن همیشه در راه استقرار عدالت و انصاف ، بمفهوم هر زمان ، سهم بسزاداشته است . حتی میتوان گفت این جنبه از تاریخ ایران متأسفانه تاکنون به حد کافی شکافته و گفته نشده است . بر این اساس و سابقه ، در اینجا از خداوند متعال مسئلت کنیم در آینده نیز دوشادوش ملل دیگر ایران را در راه تکامل بخشیدن به نظام جهانی برای تأمین صلح عادلانه و پیشرفت یاری فرماید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی